

## آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۰۵ کانادا

(لی هنگجی، ۲۲ مه ۲۰۰۵، در تورنتو)

(تشویق پرشور) صبح بخیر! (تشویق) (حضار: «صبح بخیر/استاد!»)

به خاطر دارم که قبل از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، کنفرانس فای تورنتوی ما اینجا برگزار شد. (تشویق پرشور) در آن زمان، وقتی سرکوب و آزار و شکنجه ح.ک.چ شیطانی در آستانه شروع بود، چیزی به شما گفتم: «گفتم که فقط اگر تحت تأثیر قرار نگیرید می‌توانید تمام وضعیت‌ها را اداره کنید.» (تشویق پرشور) البته، برخی از شاگردان آنچه را که گفتم درک کردند، درحالی که سایرین آن را این‌گونه برداشت کردند که، هیچ کاری انجام ندهند، هیچ اقدامی نکنند. (معلم می‌خندند) (همه می‌خندند) «تحت تأثیر قرار نرفتن» به این اشاره می‌کند که افکار درست محکم و ایمان راستین یک فرد تحت تأثیر قرار نگیرد. منظور، نادیده گرفتن مسئولیت یک مرید دافا در نجات موجودات ذی‌شعور، و حتی برنگزیدن مسیر تزکیه و رشد خودتان با گذر از سختی‌ها نبود. چگونه می‌تواند این عملی باشد؟ اما هرطور که افراد انجام دادند، هر چه باشد این تزکیه است، از این رو هر فردی درک متفاوتی داشت و هر یک، دافا را با درجات مختلفی از وابستگی‌های بشری برگزیده بودند؛ در روند تزکیه، افکار بشری وجود دارد که از بین بردن آنها سخت است و این باعث درک‌های مختلف و برداشت‌های مختلفی از فا می‌شود. بنابراین در میان این آزمون سخت، درک شاگردان مختلف از دافا و مقدار وابستگی‌های‌شان کاملاً نمایان شد و دیده‌اید که در طول این آزار و شکنجه، افراد چگونه به‌طور متفاوتی رفتار کرده‌اند. این آزار و اذیت بر ما تحمیل شد و نباید مورد تأیید قرار گیرد، اما از طریق این آزار و اذیت، کوتاهی‌ها در تزکیه واقعاً دیده شده است، درست همان‌گونه که جنبه باشکوه مریدان دافا دیده شده است. برای شما اینکه استاد را تا این مرحله دنبال کرده‌اید و از میان آزار و اذیت با موفقیت گذر کرده‌اید، این واقعاً باشکوه است. (تشویق پرشور)

گفته‌ام که اگر برای این آزار و شکنجه نمی‌بود، تزکیه مریدان دافا شکل دیگری را برمی‌گزید. البته، آنچه گذشته، گذشته است و این چیز است که دیگر گذشته و قابل بحث نیست. اما با توجه به مسائل جاری، در این شرایط، وقتی مریدان واقعی دافا بتوانند پابرجا بمانند و خودشان را در فا رشد دهند و همزمان که این آزار و شکنجه را نفی می‌کنند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و تا این مرحله را با موفقیت سپری کنند، این واقعاً باشکوه است. شما دیده‌اید که این آزار و اذیت چقدر پلید، خشن و فریبکارانه بوده است و علاوه بر آن، شامل چیزی بوده که آن را از آزار و اذیت‌های مریدان موجودات روشن‌بین گذشته متمایز ساخته است: در طول تاریخ، آزار و اذیت‌ها به‌طور باز و علنی انجام شدند، در صورتی که امروز، ح.ک.چ شیطانی همه تجارب و ترفندهای پلید آزار و اذیت مردم در گذشته تاریخ را در دست خود دارد، از این رو در این آزار و اذیت و سرکوب پلید، در نهان، بسیاری از ترفندهای وصف‌ناپذیر به کار گرفته شده است. بنابراین وقتی نوبت به کمک به مردم می‌رسد تا از این مسئله مطلع شوند، کمک به اجتماع که آگاه شوند و وقتی می‌خواهیم مردم دنیا نسبت به این آزار و اذیت وحشیانه واکنش نشان دهند، یا راهنمایی‌شان کنیم تا از مریدان دافا حمایت کنند - انجام این کار خیلی سخت به نظر می‌رسد. زیرا شیطان روی حقیقت سرپوش گذاشته است و ترفندهایی که در آزار و اذیت به کار بستند، بی‌نهایت پلید هستند. هرگز در گذشته چیزی مانند این روی نداده است. این محصولی از این است که حزب کمونیست پلید بیش از یک قرن پلیدترین تجارب را جمع کرده و به‌شکلی بی‌نهایت مخفیانه، روی جنایات خود در این آزار و شکنجه سرپوش گذاشته است.

به عبارت دیگر، این آزمون سخت که بر مریدان دافا تحمیل شد، در تاریخ سابقه نداشته است. در گذشته وقتی آزار و اذیت شروع شد، [افراد بد] کارها را به‌طور علنی انجام می‌دادند و با جو ناگوار و فراگیری که مانند سرنگون شدن دنیا احساس

می‌شد، بیهوده تلاش می‌کردند میدان دافا را سرکوب کنند. اما نیروهای شیطانی، اهریمنان فاسد و حزب بدنهاد نتوانستند موفق شوند. بعداً متوجه شدند که با گذشت زمان، این رویکردشان توجه بین‌المللی را به خود جلب و مردم چین را ناراحت و عصبانی می‌کند و گستره وسیع‌تری از مردم، از میدان دافا و تلاش برای توقف این آزار و شکنجه حمایت می‌کنند. از این رو به تدریج این آزار و اذیت را به شکلی مخفیانه تبدیل کردند. سپس، اول اینکه، در ظاهر به نظر می‌رسید ح.ک.چ بدنهاد دوباره پیروزی کسب کرده و دوم اینکه، تصویر کاذبی ترسیم کرد که در ظاهر، مسائل آرام و هماهنگ به نظر می‌رسید. همزمان، در پشت صحنه، به شکلی پلید به آزار و اذیت فریبکارانه میدان دافا ادامه داد. در مراحل بعد، به مرحله‌ای رسید که حتی ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های تحت کنترل ح.ک.چ دیگر نامی از آن نمی‌بردند. اما هرگز دست از این آزار و اذیت سرکوب‌گرانه برنداشتند. این‌ها شیوه‌های آزار و اذیتی است که یک رژیم تبهکار به کار می‌برد، چیزی که هرگز در گذشته دیده نشده است. شما دیده‌اید که تحت این شرایط، رسانه‌های جریان اصلی در هر کشوری در دنیا، اکثراً این آزار و اذیت میدان دافا را گزارش نکرده‌اند و در حالی که این جنایات و گناهان انجام می‌شود، آنها سکوت اختیار کرده‌اند.

البته، عامل دیگری نیز وجود دارد، این است که اکنون چین یک بازار اقتصادی برای همه دنیا شده است و بسیاری از کشورها به شرایط سرمایه‌گذاری آنجا تمایل نشان می‌دهند. این گونه نیست که ح.ک.چ منابع استثنایی داشته باشد، یا ح.ک.چ بهتر شده و شرایط چین را بهبود بخشیده، یا حزب کمونیست پلید رویکردهایی عالی داشته، و در نتیجه سرمایه‌گذاران سراسر دنیا را جذب کرده است. در واقع، خیلی ساده است: ح.ک.چ مردم چین را فقیر و پر از ترس کرده است و در نتیجه آنها می‌خواهند پول بیشتری پس‌انداز کنند؛ همچنین اخلاق کاری مردم چین آنها را به سمتی سوق داده که در شغلی که دارند پیوسته و طولانی مدت کار کنند. این مسئله باعث جذب سرمایه‌گذاران شده است. در بسیاری از فرهنگ‌ها، مردم پس از اینکه مقداری پول درآوردند کار کردن را متوقف می‌کنند و تا وقتی آن را خرج نکرده باشند دوباره کار نمی‌کنند. اما مردم چین، در حالی که ح.ک.چ آنها را فقیر و هراسان کرده است، چنین شخصیتی را شکل داده‌اند که می‌خواهند به پس‌انداز کردن پول ادامه دهند و در نتیجه تا وقتی که بتوانند پول پس‌انداز کنند به کار کردن ادامه می‌دهند. این مسئله تعداد بسیار زیادی از سرمایه‌گذارانی را جذب کرده است که به محیط کار پایدار نیاز دارند، مخصوصاً آنهایی که نیازمند پرسنل فنی هستند. از این رو ح.ک.چ پلید از این قالب ذهنی مردم چین بهره‌برداری کرده و از مردم چین و سرمایه‌گذاران و مقدار عظیمی از منابع انسانی، مادی و مالی استفاده کرده تا مردم را سرکوب کند و فالون‌گونگ را مورد آزار و اذیت قرار دهد. و این گونه است که بسیاری از کشورها، به خاطر منافع اقتصادی، در خصوص این آزار و شکنجه موضع خود را اعلام نکرده‌اند.

از طریق این آزار و شکنجه دیده‌ایم که در این اجتماع بشری، هیچ یک از چیزهایی که از آنها طرفداری می‌شود قابل اعتماد نیست. بسیاری از افراد در سراسر دنیا هستند که درباره حقوق بشر صحبت می‌کنند و بسیاری از کشورها هستند که حرف از آزادی عقاید می‌زنند، تا حدی که به نظر می‌رسد هر کسی در همه جای این دنیا این مسائل را پایه‌ای‌ترین نیاز زندگی و یکی از مهم‌ترین حقوق فرد در نظر می‌گیرد. اما وقتی ح.ک.چ مردم چین را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد و به شکلی بسیار شیطانی و شدید، حقوق بشر و آزادی عقیده آنان را پایمال می‌کند، بسیاری از حکومت‌ها و رسانه‌های سراسر دنیا سکوت اختیار کرده‌اند. به عبارت دیگر، وقتی منافع مادی در خطر باشد، تمام حرف‌ها درباره آزادی عقیده و حقوق بشر، ناگهان برای‌شان بی‌معنی می‌شود. در خصوص وجدان مردم نیز، می‌توانیم ببینیم که در این شرایط، از آن به اصطلاح وجدان مردم نیز خبری نیست. گویا چنین چیزهایی صرفاً به عنوان ابزاری برای حفاظت از علایق عملی و شخصی افراد خاصی تبلیغ می‌شوند. از سوی دیگر، دافا حقیقت واقعی کیهان است که از طریق تزکیه به درک آن رسیده‌اید. آن تا ابد تغییرناپذیر است. آموزش راستین آن باید در تمام شرایط و موقعیت‌ها پابرجا بماند و چیزهایی هستند که مردم نیاز دارند بدون توجه به وضعیت، از آنها پیروی کنند. در هر شرایطی، تا وقتی که افکار درست تزکیه‌کننده قوی باشد، می‌تواند از طریق آن بهبود یابد، راهنمایی و کمک بگیرد، و بدین وسیله افکار درستش را تقویت کند و به او کمک می‌کند مزاحمت از طرف هرگونه ترفند بشری یا وسوسه شیطانی که سر راهش قرار می‌گیرد را از خود دور کند. همان‌طور که تزکیه‌کنندگان در ارتقای خود پیشرفت می‌کنند، این قانون کیهان و باور راستین انسان به خدایان، و تجلی حقیقت است. هیچ‌یک از چیزهایی که مردم عادی به منظور حفاظت از علایق مردم عادی، با بوق و کرنا ادعا

می‌کنند نمی‌تواند با آن مقایسه شود. به عبارت دیگر، تمام اینها ورای سطح مردم عادی می‌رود و به همین دلیل است که مریدان دافا می‌توانند از این آزار و شکنجه با موفقیت گذر کنند.

همراه با این دو دلیل، در واقع عامل دیگری در بنیادی‌ترین سطح وجود دارد که در پشت عدم اعلام موضع بسیاری از کشورها و تقریباً همه رسانه‌های مهم سراسر دنیا قرار دارد. و آن، عوامل نیروهای کهن در کیهان کهن است که تمام مردم دنیا که فا کسب نکرده‌اند را مسدود می‌کنند و به آنها اجازه نمی‌دهند در این امر درگیر شوند. هدفشان این است که کاری کنند مریدان دافا در مکان‌های خاصی مورد «آزمایش» قرار گیرند. اگر مردم دنیا واقعاً درگیر می‌شدند، آنگاه «آزمایش‌های» مریدان دافا آنقدر پلید نمی‌بود یا به هدف خود نمی‌رسید، همان هدف که مشخص شود آیا مریدان دافا از طریق «سختی‌های» دشوار و خشنی که برای‌شان تدارک دیده شده می‌توانند مطابق [استاندارد] باشند یا خیر. این، دلیل نهایی آن است که چرا آنها این کار را انجام داده‌اند.

اما بدون توجه به اینکه دلیل آن چه چیزی باشد، در طول این آزار و شکنجه، مریدان دافا و من در برابر این آزار و شکنجه به‌طور کامل مقاومت کرده‌ایم. از این رو در حالی که به‌طور کامل در برابر این آزار و شکنجه مقاومت می‌کنیم، اینکه از الزامات استادان، الزامات من، پیروی کنید، و این حالت تزکیه منحصر به فردی را که دارید حفظ کنید و به‌عنوان یک مرید دافا در هر کاری که مسئول آن هستید به‌خوبی عمل کنید- / این همان معنی کوشا بودن است. قبلاً به شما گفته‌ام که وقتی نوبت به تزکیه می‌رسد، هر تزکیه‌کننده در گذشته، مانند شما، وضعیت تزکیه سختی می‌داشت، وضعیتی همراه با آزمایش‌های سخت طولانی مدت. و مخصوصاً وقتی یک شخص در شرایطی تزکیه می‌کند که چیزهایی که به شکل عملی به او نفع می‌رسانند درست در اطراف او قرار دارند، این واقعاً سخت است. بسیاری از فرصت‌های به‌دست آوردن، درست اینجا قرار دارند و تزکیه‌کنندگان را وسوسه می‌کنند، و وقتی فقط کمی حفاظ خود را پایین بیاورید، تفکر تان، درک تان و حتی افکار بشری تان شما را به حرکت در مسیر این جریان سوق می‌دهند. از این رو این شکل از تزکیه بسیار سخت است. اما با نگاه از زوایه‌ای دیگر، به‌خاطر اینکه آن سخت است، این نشان می‌دهد که امروز مریدان دافا می‌توانند تا سطوح بالایی تزکیه کنند. اگر محیط این قدر سخت نمی‌بود، آنگاه آزمایش‌های مستقیم لایه سطحی بشری تزکیه‌کننده و آزمایش‌های مستقیم بدن اصلی وجود آن فرد این قدر شدید نمی‌بود.

می‌دانید، خواه مذاهب بود یا شکل‌های گوناگون تزکیه در تاریخ، در تزکیه فرد، آنها مسئول بیرونی‌ترین لایه فرد و همان چهره اصلی، نبودند. به عبارت دیگر، برای‌شان مهم نبود که آیا روح اصلی فرد می‌توانست در تزکیه موفق شود یا خیر. به همین دلیل است که اکثر آنها به تزکیه‌هایی با زمان‌هایی طولانی در سکون (دینگ) می‌پرداختند. حالات گوناگون متجلی شده هنگام از بین برده شدن وابستگی‌ها در سکون، فقط می‌تواند برای روح کمی فرد روی دهند. اما این شکل از تمرین، که مریدان دافا به این شکل در اجتماع بشری تزکیه می‌کنند، باعث می‌شود وابستگی‌های بشری باقیمانده تزکیه‌کننده و بسیاری از وسوسه‌های نفع شخصی برای فرد در سطح و ظاهر، به مستقیم‌ترین شکل متجلی شود. و این منجر به تأکید روی تزکیه تزکیه‌کننده‌ای که در سطح قرار دارد می‌شود، در نتیجه ایجاد تغییرات در سمت لایه سطحی بشری عاملی کلیدی است. آنگاه این چالش برانگیزترین نکته تأکید در تزکیه می‌شود. علاوه بر آن، فرض بر این است که بدن اصلی فرد، هدف نجات و آنچه قرار است رشد یابد باشد، از این رو تزکیه واقعی فرد، مهمترین می‌شود و روش تزکیه به‌گونه‌ای است که لایه سطحی فرد به‌طور مستقیم مورد آزمایش قرار می‌گیرد. آزمایش‌های روح کمی و سایر موجوداتی که در بدن بشری حضور دارند آنقدر مستقیم نیستند، چراکه همگی آنها تا حدی از این توهم فراتر رفته‌اند، در صورتی که فرد [در لایه سطحی] به وسیله تمام چیزهایی که به شکل عملی به او سود می‌رسانند به‌طور مستقیم مورد آزمایش قرار می‌گیرد. این چیزی است که درباره تزکیه مریدان دافا منحصر به فرد است. و وقتی گفتم: «اکنون موجودات بشری می‌توانند به‌طور واقعی به سوی خدا شدن تزکیه کنند» منظورم همین بود. گفتم که، «در شکل، اکنون واقعاً خود فرد است که در حال تزکیه است» زیرا در روند تزکیه، این بدن بشری است که بدنی مهم و اصلی شده است.

در گذشته، وقتی این دافا ابتدا آموزش داده شد، بسیاری از خدایان درک نمی‌کردند و در نتیجه می‌گفتند: «به انسان‌ها بیش از حد بها می‌دهی.» منظورشان این بود که: «به جای اینکه روی ما تمرکز کنی، روی انسان‌ها تمرکز می‌کنی.» چه کسی

تابه حال در گذشته انسان‌ها را جدی گرفته است؟ موجودات بشری وابستگی‌های بسیار زیادی دارند، رفتارشان خیلی بد است و منطق‌شان خیلی آشفته است. فکر می‌کردند: «چرا می‌خواهی انسان‌ها را نجات دهی؟» البته، دلایل بسیاری در این زمینه وجود دارد که آنها اطلاعی نداشتند. در آموزش‌های قبلی با شما در میان گذاشتم که خدایان سطح‌پایین از وضعیت واقعی مسائل در سطح ظاهری بشریت آگاهی ندارند. در طول سال‌های بسیار زیاد، در تاریخ بشری اتفاقات بسیار زیادی روی داده و موجودات بشری سطحی، در بازپیدایی‌های گوناگون‌شان مقدار بسیار عظیمی پایداری و تحمل کردند. اصلاح‌ها در حال نجات همه موجودات است، پس چگونه امکان دارد آن موجودات نجات داده نشوند؟ وقتی دافا، فا در کیهان را اصلاح می‌کند، مسائل به‌گونه‌ای متفاوت از هر روش تزکیه‌ای در گذشته انجام می‌شوند، [همان روش‌های تزکیه] که فقط مسئول یک نوع خاصی از موجودات یا موجودات درون گستره خاصی بودند. اصلاح فا قرار است تمام موجودات قابل نجات را نجات دهد، که شامل تمام موجوداتی می‌شود که خدایان آفریدند و در بدن اصلی یک فرد حضور دارند. بیشتر اینکه، بسیاری از افراد در طول سال‌های بسیار طولانی از میان سختی‌های عظیمی گذشته‌اند، پس چگونه امکان دارد آنها نجات داده نشوند؟ آیا انسان‌ها موجودات مهم و اصلی در سه قلمرو نیستند؟ آیا همه موجودات در سه قلمرو، نباید نجات داده شوند؟ پس این شکل تزکیه و نیز بنیانی که نژاد بشر پایه‌ریزی کرده‌اند و سختی و رنجی که در طول سال‌های بسیار طولانی تاریخ از میان آن گذشته‌اند- آیا دقیقاً این چیزها نیستند که موجودات بشری را قادر کرده‌اند که بزرگترین تقوای عظیم تمام زمان‌ها را کسب کنند؟ و آیا این موجودات نباید برجسته‌ترین در نظر گرفته شوند و اولین موجودات برای نجات در نظر گرفته شوند؟ وقتی این مکان بشری به‌عنوان نقطه پایه‌ای اصلاح فا ساخته می‌شود، آیا آن را مناسب این موضوع نمی‌کند که اولین اولویت، آزاد کردن [و نجات] این گروه از موجودات یعنی موجودات بشری، باشد؟

البته، هیچ‌یک از این‌ها آنقدرها ساده نیست. هر چیزی از امروز، در گذشته پیش‌بینی شد. در گذشته وقتی سه قلمرو در ابتدا شکل گرفت، نظم و ترتیب‌ها ایجاد شد و آنگاه در شکل بشری در بیرونی‌ترین لایه انسان، موجودات و شرایطی که دوره اصلاح فا بعداً نیاز می‌داشت به‌تدریج نظم و ترتیب داده شد و سپس [تمام] این‌ها به آن موجودات اجازه داد تا در روند گذر از چنین سال‌های طولانی، تقوای عظیم بسیار زیادی را کسب کنند. به‌عبارت دیگر، آنچه در ظاهر و سطح یک موجود بشری قرار دارد صرفاً یک بشر نیست. رفتار و خرد ناقص و ناکامل [موجودات بشری] نتیجه‌ای از محدودیت‌های ناشی از قلمروی است که موجودات بشری در آن هستند، و نیز ناشی از محیط سه قلمرو و استانداردی است که هنگام آفرینش انسان از آن استفاده شد. صرفاً نمی‌توان از روی تجلی چیزها، آن را درک کرد، زیرا هرچه سطح یک عامل بالاتر باشد، تشخیص آن در [سطح] ظاهر بدن بشری سخت‌تر است. درحالی که آن چیزها تشخیص داده نمی‌شوند، وضعیت واقعی انسان، برای موجودات سطوح بسیار زیادی همیشه پنهان بوده است. این‌گونه نیست که هر خدایی رابطه بین سه قلمرو و کیهان را می‌داند. همان‌طور که می‌دانید، در طول تاریخ، فرهنگ و پیش‌گویی‌های زیادی به اجتماع بشری منتقل شد، اما درخصوص خدایان، حتی آنهایی که به سه قلمرو نزدیکترین هستند درباره بسیاری از این چیزها نمی‌دانند. آیا این عجیب نیست؟ پس چرا این‌گونه است؟ چرا آنها نمی‌دانند؟ وقتی موجودات بشری می‌توانند آموزه‌های راستین خاصی را دریابند که در برخی پیش‌گویی‌های گذشته یافت می‌شود، همین‌طور پیش‌گویی‌های بسیار دقیقی را که در طول تاریخ بشری، اینجا به‌جای مانده؛ چگونه است که خدایان نمی‌دانند؟

درواقع رازهای بسیاری در دنیای بشری و در سه قلمرو وجود دارد و بسیاری از این اسرار برای خدایان ناشناخته است. و بین زمان بشریت و زمان آن خدایان بسیار زیاد، تفاوت‌های عظیم و بسیار زیادی وجود دارد. فرض کنید یک موجود بشری یک ذره باشد، آنگاه یک موجود خدایی که در اندازه یک ذره بزرگتر است- یعنی اگر از نظر حجم صحبت کنیم- آنچه درخصوص تاریخ بسیار طولانی دنیای بشری می‌تواند تشخیص دهد و از آن آگاه باشد و بداند، بسیار محدود است. وقتی به ذره‌ای می‌رسد که حجمش کوچکتر از ذرات نژاد بشری است، یا به خدایی که کوچکتر از یک ذره مولکولی است، زمان او بسیار سریع سپری می‌شود. به‌همین دلیل است که بسیاری از موجودات درباره تاریخ اصلی سه قلمرو، دلیل وجود سه قلمرو یا معنی واقعی وجود زندگی هیچ چیزی نمی‌دانند. یک خدا واقعاً نمی‌میرد، اما او در قلمروی خود، تولدی دوباره دارد. صرفاً از کلمه «تولد دوباره» برای توصیف آن استفاده می‌کنم. او نیز به‌واسطه [قانون] ایجاد، ثبات، فساد، انهدام که در کیهان وجود داشته است، شبیه آنگونه

که موجودات بشری از روند تولد، پیری، بیماری و مرگ می‌گذرند، دوباره از نو شروع می‌کند و سپس بازپیدا می‌شود. در زمان آفرینش این کیهان، اصل [و قانون] دوباره‌نوشتن چرخه‌ای، در حقایق فا قرار داده شد و از این رو این پدیده به‌طور مشابه در قلمروی خدایان وجود داشته است. صرفاً این‌طور است که برای خدایان، زمان در [قلمروهای مربوط به خودشان] بی‌انتهای به‌نظر می‌رسد. همچنین، خدایان از روند تولد دوباره خود آگاه هستند، برخلاف موجودات بشری که فکر می‌کنند مرگ وحشتناک است و مطمئن نیستند که آیا زندگی بعدی نیز وجود دارد یا خیر. این‌ها بخشی از توهم هستند و چیزهایی نیستند که انسان‌ها اجازه داشته باشند بدانند. اما خدایان، در حالت خدایی خود، آنها را می‌دانند. صرفاً این‌طور است که وقتی دوباره متولد می‌شوند حافظه‌شان از گذشته، پاک می‌شود- وقتی دوباره متولد می‌شوند تمام حافظه از گذشته از دست می‌رود. این‌گونه هستند. اما برای آنها، هر چیزی آنقدر طولانی است که گویی زندگی هرگز پایان نمی‌پذیرد. در روند تولد دوباره، دیگر چیزی از مسائل گذشته نمی‌دانند. از این رو در طول سال‌های بسیار طولانی، این‌گونه نیست که همه خدایان در کیهان، تاریخی که در سه‌قلمرو آشکار شده را می‌دانند. و حتی درخصوص اصلاح فای امروز، این‌گونه نیست که همه خدایان می‌دانند درباره چیست و حتی همگی آنها بتوانند هر مرحله از اصلاح فا را درک کنند یا ببینند. موجودات قلمروهای بی‌شمار فقط وقتی اصلاح فا را می‌بینند که تقریباً درست در مقابل آنها قرار گرفته باشد، تا وقتی وارد نشده آن را نمی‌بینند. به‌همین دلیل است که در این اصلاح فا، موجودات کیهان به شکل‌های متفاوت رفتار کرده‌اند. برخی درک مثبت، برخی درک منفی و برخی درک منفعل دارند. این‌گونه هستند. می‌توانم به شما بگویم، تمام شکل‌های مختلف رفتار موجودات بشری در جوامع بشری امروزه را که دیده‌ایم، تقریباً شبیه چگونگی مسائل در قلمروهای بالاتر هستند.

قبل از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، وقتی فا به‌طور گسترده‌ای در حال اشاعه بود، موجودات و خدایان قلمروهای مختلف در چه حالی بودند؟ آنها می‌گفتند: «اوه، دافا خیلی عالی است. حیف است که چنین قانون خوبی به انسان‌ها آموزش داده شود و وقتی انسان‌ها در بدترین [حالت] خود هستند این کار انجام شود.» برخی از آنان فکر کردند: «شاید فقط با اشاعه آن در چنین زمانی شکوه دافا می‌تواند نشان داده شود.» موجوداتی نیز بودند که فکر می‌کردند: «لی هنگ‌جی بخشنده است، پس بیایید همه چیزهای بد را به سمت او هل دهیم و بگذاریم او گناهان و کارما را از بین ببرد.» آنها از این فرصت بهره‌برداری کردند تا کارهای بدی انجام دهند. کارمایی که [مر] تحت فشار قرار می‌داد به اندازه آسمان بزرگ بود و بسیاری از خدایانی که این را دیدند فکر می‌کردند: «آیا هنوز قادر خواهد بود آن را بردارد؟» گرچه فکرها و درک‌های مختلفی در بین آنها بود، اما نقشی که در آن زمان ایفا کردند اکثراً مثبت بود. اما وقتی در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ آزار و شکنجه شروع شد، تفکرشان تغییر کرد. تعداد زیادی از موجودات در قلمروهای گوناگون رویکردی راضی و منفعل را برگزیدند و صرفاً مسائل را تماشا می‌کردند؛ با دیدن اینکه اهریمنان فاسد کارهای شیطانی انجام می‌دادند و این آزار و شکنجه را پیش می‌بردند هیچ کاری انجام نمی‌دادند، گویی در حال تماشای این بودند که آیا از آن با موفقیت گذر می‌کنم یا خیر. آنها فکر می‌کردند: «اگر بتوانی آن را با موفقیت پشت سر گذاری، پس اوه، این بسیار خارق‌العاده است و من حمایت می‌کنم.» اما به‌واسطه موانعی که پس از تحریک شدن نیروهای کهن و موجودات کهن پدیدار شدند و با دیدن دنیای مملو از نیروی شیطانی مسلط، هر یک از موجودات افکار خودخواهانه داشتند. اکثراً فکر می‌کردند: «خیلی سخت است که این موفق شود. اگر این عملی نشود من تحت تأثیر قرار خواهم گرفت.» از این رو هیچ موضعی اعلام نکردند. تقریباً تمام موجودات در قلمروهای بسیاری زیاد این‌گونه بودند. آنچه این قانون کیهان قصد دارد نجات دهد، دقیقاً این موجودات قلمروهای بسیار زیاد هستند. اما الزامات برای موجودات نمی‌تواند خیلی بالا در نظر گرفته شود. اگر همه این‌قدر راستین بودند کیهان به اصلاح فا نیاز نمی‌داشت. دقیقاً به‌خاطر اینکه موجودات این‌گونه شدند و دیگر خوب نیستند، این‌گونه رفتار کرده‌اند. و خدایان این‌گونه نسبت به اصلاح فا و میدان دافا رفتار کردند.

البته، همان‌طور که کل اصلاح فا به‌طور پیوسته به پیش می‌رود، وضعیت در دنیا و کل سه‌قلمرو به‌طور پیوسته تغییر می‌کند. رفتاری که امروز از مردم مشاهده می‌کنید خیلی شبیه چگونگی مسائل در آسمان‌ها است. به‌طور متفاوتی بیان کنیم، اگر موجودات بسیاری از مردم دنیا متناظر با آن بدن‌های آسمانی باشند و پیش‌زمینه‌های خاصی داشته باشند، آنگاه درباره‌اش ببینید: آیا [چگونگی رفتارشان در اینجا] به‌طور مستقیم به چگونگی مسائل در قلمروشان در این زمان ارتباط ندارد؟ البته،

انسان‌ها در بیرونی‌ترین لایه درباره این مسائل روشن نیستند. درحال حاضر بسیاری از افراد مایلند که قدم پیش گذارند، زیرا موجودات و پادشاهان بسیاری از قلمروهای مختلف می‌توانند ببینند که موفقیت دافا در اصلاح فا توقف‌ناپذیر و قطعی است. از این رو یکی پس از دیگری موضع خود را اعلام می‌کنند و در اعمال‌شان آن را نشان می‌دهند. عوامل پایانی کیهان کهن، آمدن این مرحله را مدت‌ها پیش دیده بودند. بسیاری از موجودات نهایی هنوز بالاتری در این کیهان هستند و گرچه مرتبط با عوامل نیروهای کهن نیستند، به‌رحال موجودات کهن هستند و به مفاهیمی که پس از منحرف شدن شکل دادند پای‌بند هستند. وقتی به مریدان دافا نگاه می‌کنند، به ناکاملی‌های کیهان گذشته و مشخصات منحرف آن می‌چسبند و سعی می‌کنند از تمام آن چیزها حمایت کنند. آنها فکر می‌کنند که این نوع از آزار و شکنجه می‌تواند به تزکیه مریدان دافا کمک کند. افکار و عقایدشان تأثیری بازدارنده دارد و حائلی بین دنیای سطحی و قلمروهای دیگر ایجاد کرده و مانع درک مردم از فا می‌شود. آنها فکر می‌کنند که فقط وقتی کسی تحت این شرایط، از عهده آن برآید قابل قبول است و موجودات در قلمروهای پایین‌تر و مردم دنیا فقط زمانی می‌توانند نگه داشته شوند که تحت این شرایط موضع خود را اعلام کنند. اعلام موضع در چنین شرایطی گویای شکوه یک موجود است، اما آیا لازم است که آن حالتی را داشت که آنها نتوانند اصلاح فا را درک کنند؟ و مهم‌تر از همه، کیهان آینده خواهان این نیست که کارها به این شیوه انجام شود. و اصلاح فا این عوامل منفی متخاصم را تأیید نمی‌کند. به‌علاوه، در این زمان، نگرش یک موجود به اصلاح فا حیاتی است و این برای آن موجودات «نهایی بالاترین» که سعی می‌کنند روی اصلاح فا تأثیر بگذارند نیز صحت دارد.

اصلاح فا فقط روی آینده مریدان دافا، مردم دنیا یا موجودات قلمروهای مختلف تأثیر نمی‌گذارد، بلکه روی آینده تمام موجودات تأثیر می‌گذارد. با توجه به عظمت اصلاح فا، چه کسی می‌تواند خارج از آن باشد؟ همزمان، به‌خاطر اهمیت بسیار زیاد نگرش یک موجود نسبت به اصلاح فا، هیچ کسی اجازه این را ندارد که موجودات ذی‌شعور را قفل کند و باعث شود به‌طور جاهلانه‌ای نسبت به اصلاح فا و دافا مرتکب گناه شوند. در اول نیز اختلال از جانب آن عوامل نیروهای کهن هرگز نمی‌بایست روی می‌داد. فقط وقتی واقعی است که موجودات ذی‌شعور قادر باشند بدون تحت کنترل قرار گرفتن به هیچ شکلی و در نبود مزاحمت از سوی هیچ عاملی، به امور نگاه کنند و موضعی برگزینند. وقتی این‌گونه نیست، آیا آنچه تدبیر کردند، یک تجلی نظم و تربیتی از این نیست که بر طبق خواست خودشان، موجودات خاصی کارهای خوب و موجودات خاصی کارهای بدی انجام دهند؟ آیا این رفتار واقعی آن موجودات است؟ این‌گونه نیست! اما در شرایط فعلی، عوامل کهن نهایی کیهان هنوز با آنچه نیاز است و آنچه لازم است برای آینده بنیان نهاده شود، درحال مداخله هستند.

امروز اعمال موجودات در این دنیا که شاهد آن هستیم، این‌گونه است که علی‌رغم تأثیر نیروهای کهن، موجودات و خدایان در قلمروهای مختلف به تدریج دافا را تأیید و از آن حمایت می‌کنند. اما این تأیید، پذیرش واقعی و بدون قیدوشرط دافا، اصلاح فا و مریدان دافا از سوی آنها نیست، بلکه برعکس نتیجه‌ای از نیروی فزاینده موفقیت اصلاح فا است که بر کل بدن کیهانی حاکم شده و هیچ انتخابی برای آنها باقی نگذاشته است. البته بخش قابل توجهی از آنها هستند که به‌طور واقعی درک می‌کنند، چراکه اکنون می‌توانند این روند اصلاح فا را ببینند و ببینند که هر چیزی برای آینده مطمئناً حاصل می‌شود. البته، مردم دنیا از تمام این‌ها واقماً آگاه نیستند. فقط می‌توانند ببینند که [فالون گونگ] مرعوب آزار و اذیت حکومت تبهکار ح.ک.چ نشده و آنها یک درکی در سطح بشری نشان داده‌اند که، «اوه، این فالون گونگ فرق می‌کند. هرچه باشد این بار فالون گونگ از ترس، تسلیم آن ح.ک.چ شیطانی پلید نشده است. بلکه برعکس به‌طور فزاینده‌ای درخشیده و شکوفا شده، درحالی که ح.ک.چ در روند آزار و اذیت فالون گونگ خودش را نابود کرده است. فالون گونگ خارق‌العاده است!» همچنین، درخصوص مردم چین، کیفیت حاصل از نمایش افکار درست مریدان دافا گویای این است که امیدی هست که ارزش‌های اخلاقی تمدن چین دوباره بازگردد. در آن اجتماعی که ح.ک.چ حکومت می‌کند آن مقامات فاسد و طماع و جنایاتی که روی می‌دهند خارج از کنترل می‌شوند. مسئله دیگر این است که، برای اینکه اجازه داد مردم چین فا را درک و آن را کسب کنند، وقتی اصلاح فا شروع شد، ذهن مردم چین رها شد و باعث شد خیلی باهوش شوند. اما درطول این آزار و شکنجه، آن باهوش شدن را برای درک فا مورد استفاده قرار ندادند، و برعکس از آن برای ارتکاب گناه استفاده کردند. از این رو درطول چند سال قبل که مریدان دافا تحت آزار و شکنجه قرار داشتند

آنها به جن، شن، رن حمله کرده و چیزهای اهریمنی تبلیغ کرده‌اند، و این باعث شده شیوه‌هایی که موجودات ذی‌شعور مرتکب جنایت می‌شوند بی‌نهایت پنهانی و پیچیده شود. دسته رذل ح.ک.چ هیچ راهی ندارند که مخلصه جاری چین را اداره کنند. آنها هیچ راهی ندارند جنایاتی که مرتکب شده‌اند و مشکلات پیچیده در اجتماعی که خود به‌وجود آورده‌اند و اکنون با آن مواجه هستند را برعکس کنند.

همه این‌ها را گفتم زیرا امروز دوباره اینجا نشستیم و فا را به شما آموزش می‌دهم. (تشویق پرشور) پنج یا شش سال گذشته است و امروز دوباره اینجا فا را آموزش می‌دهم و ممکن است احساس متفاوتی داشته باشید و ممکن است برای شاگردانی که دفعه قبل اینجا بودند حتی بیشتر این‌گونه باشد. اصولاً از آزار و شکنجه شدید پلید با موفقیت گذر کرده‌ایم، [و می‌توانم این را بگویم] چراکه در طول این اصلاح فا، عوامل ح.ک.چ پلید به‌طور زیاد و سریعی در تعداد وسیعی در حال نابود شدن هستند. مانند آنچه گفتم، آنها پلید، بدنهاد و بد هستند. تا وقتی که وجود دارند به انجام کارهای بد ادامه می‌دهند. از این‌رو در چین، گرچه بازدارندگی‌های روی مردم آنجا از سوی عوامل شیطانی حزب کمونیست پلید، و همین‌طور در خصوص تعداد بسیاری از سایر مردم سراسر دنیا، در حال از بین رفتن، کاهش و کمتر شدن هستند، و دیگر به آن حد مؤثر نیستند، اما آزار و شکنجه علیه مریدان دافا هنوز تداوم دارد. [آن ادامه خواهد داشت] تا اینکه به‌طور کامل از بین بروند، و در آن مرحله آزار و شکنجه به پایان خواهد رسید. آن عوامل شیطانی ح.ک.چ پلید قطعاً به‌دست خدایان و در اصلاح فا پاکسازی می‌شوند! (تشویق پرشور)

خود ح.ک.چ پلید می‌تواند ببیند که در لبه پرتگاه توتولو می‌خورد و همه چیز از دست رفته است. بسیاری از افراد می‌خواهند برای خود یک راه فراری باقی گذارند و بسیاری سعی می‌کنند جنایاتی که در آزار و شکنجه مرتکب شده‌اند را مخفی کنند. و البته حتی افراد بیشتری می‌خواهند از آن سازمان‌های حزب پلید کناره‌گیری کنند. تمام اینها، آن‌جا سخنان حزب شرور را در سرخوردگی و وحشت می‌اندازد. نکته قابل توجه اینکه، این کناره‌گیری از حزب باعث می‌شود از ترس به‌خود بلرزند. همه چیز برای‌شان از دست رفته و هم‌اکنون می‌توانند ببینند که برای‌شان تمام است. بدون توجه به اینکه مردم عادی، چه نگرشی [نسبت به آنچه روی می‌دهد] دارند یا نگران هستند که چه اتفاقی برای جامعه و تمدن چین روی دهد، بیهوده نگران هستند. از زمان‌های باستان خدایان هرگز از هیچ ملت یا فردی دست نکشیدند. وقتی خدایان بخواهند که جامعه‌ای دچار هرج و مرج شود، آن دچار هرج و مرج می‌شود؛ وقتی خدایان بخواهند فردی وحشیگری کند، او وحشیگری خواهد کرد؛ و وقتی بخواهند جامعه‌ای پایدار باشد، آن پایدار خواهد بود. بدون توجه به اینکه آن دسته کمونیست پلید چقدر بزرگ بود، وقتی [خدایان] خواستند آن منحل شود، در چند روز منحل شد. (تشویق) همگی به این بستگی دارد که آیا خدایان چیزی را نیاز داشته باشند یا خیر. آیا این‌گونه نیست؟

هر چیزی اینجا در اجتماع بشری برای اصلاح فا بنیان گذاشته شد و همه چیزهایی که امروز وجود دارد، به‌خاطر اعتباربخشی مریدان دافای من به فا وجود دارد. به‌خاطر داشته باشید: شما ستارگان امروز دنیا هستید، شما موجوداتی هستید که موجودات ذی‌شعور مشتاقانه نگاه‌شان می‌کنند، و شما موجوداتی هستید که آینده هر شخص در این دنیای بشری را تعیین می‌کنید! (تشویق) از این‌رو، نجات همه موجودات و به‌خوبی تزکیه کردن خودتان بیشترین اهمیت را برای شما مریدان دافا دارد. این فقط برای کمال وجود خودتان انجام نمی‌شود- درباره‌ی به‌انجام رساندن امیدی که موجودات ذی‌شعور و موجودات بیشتری به شما بستند نیز هست! بسیار خوب، همین مقدار می‌گویم. (تشویق پرشور طولانی)

در حال حاضر [شما فقط باید روی] کارهایی که در حال انجام آن هستید [تمرکز کنید]، از این‌رو نمی‌خواهم با صحبت کردن درباره‌ی مسائل بسیار زیاد دیگری، توجه شما را از آنچه اکنون انجام می‌دهید به چیز دیگری معطوف کنم. کارهایی که اکنون انجام می‌دهید بسیار مهم هستند، بنابراین بیشتر نمی‌گویم. از همگی متشکرم! (تشویق پرشور)